

## کارنامک‌ها، گنجینه‌ای در کتابخانه ملی

دکتر محبوبه شمشیرگرها

### چکیده:

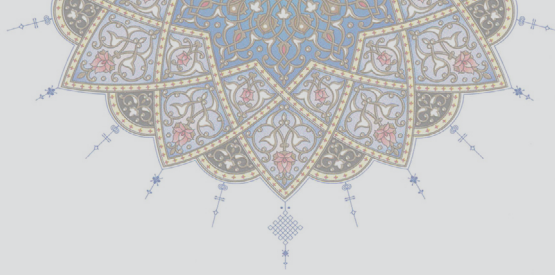
زندگی‌نگاری به معنای ثبت رویدادهای زندگی اشخاص، چیزی جز تاریخ‌نگاری نیست و رویکرد اغلب غیرآکادمیک و غیررسمی معمول در زندگی‌نگاری، آن را به حوزه تاریخ‌شاهی نزدیک می‌کند. کارنامه‌نگاری یکی از فروع زندگی‌نامه‌نویسی است. کارنامه در کنار گونه‌های دیگر زندگی‌نامه، زیرمجموعه‌ای با سابقه دیرین از این نوع زندگی‌نوشت به‌شمار می‌آید. درحالی‌که رسالت زندگی‌نامه‌های اصیل و نمونه، ترسیم تاریخچه زندگی فرد است، در کارنامه تنها به رویدادهای برجسته زندگی، آن‌هم غالباً در ابعاد اجتماعی و سیاسی پرداخته می‌شود. توجه به نقاط مهم و اثرگذار زندگی انسان به‌ویژه در ارتباط با دنیای بیرون، کم‌توجهی به خاطرات فردی و عنصر روایت، دوری از زبان و پرداخت هنری و انسجام و پیوستگی و نیز تعلق حداکثری آن به گستره تاریخ در برابر ادبیات، از ویژگی‌های بارز این گونه نوشتاری در مقابل زندگی‌نامه است. می‌توان کارنامه‌های کوتاه را که در آن‌ها به ارائه فهرستی از برجسته‌ترین اقدامات سوژه در زندگی عموماً اجتماعی و سیاسی اکتفا می‌شود، «کارنامک» نامید. نوشتار پیش‌رو بر آن است تا به معرفی گنجینه‌ای از کارنامک‌های متعلق به برخی از اثرگذارترین رجال معاصر ایران بپردازد.

### کلیدواژه‌ها:

سرگذشت‌نامه‌ها، سرگذشت‌نامه‌های کشوری، کارنامک‌ها.

دوفصلنامه تاریخ‌شاهی، سال چهارم، شماره اول، شماره پیاپی ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۸۶-۹۷





## کارنامه‌ها، گنجینه‌ای در کتابخانه ملی

دکتر محبوبه شمشیرگرها<sup>۱</sup>

### مقدمه:

مجموعه‌ای که در کتابخانه ملی ایران نگهداری و گاه از آن‌ها تحت عنوان «زندگی‌نامه‌های کتابخانه ملی» نیز یاد می‌شود، حاوی حدوداً ۳۳۰۰ مدرکِ حداکثر چندبرگی (غالباً تک‌برگی) است. این مدارک، به‌لحاظ نقش و اهمیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و هنری سوزدها و نیز از آن‌رو که بسیاری از آن‌ها به‌دست خودِ سوزده تکمیل و به‌قلم او نگاشته شده‌اند، میراثی باارزش از دهه‌های چهل تا شصت ایران به‌شمار آمده و می‌تواند به تاریخ‌نگاران و زندگی‌نامه‌نویسان در فهم نقاط تاریک تاریخ معاصر این کشور، یاری رساند.

اصطلاح تاریخ‌شفاهی گاه بر روش و گاه بر گونه‌ای از تاریخ‌نگاری، ناظر دانسته می‌شود، اما نکته مهمی که در آن اختلاف نظر وجود ندارد آنکه، بنیاد تاریخ‌شفاهی بر گردآوری و ثبت اطلاعات به‌صورت غیررسمی و کمتر حرفه‌ای، در سوی مخالف تاریخ‌نگاری حرفه‌ای و آکادمیک استوار است. در این رویکرد مدرن و دموکراتیک، کردها و شنیده‌ها و دیده‌های همه افراد، حتی متعلق به طبقات فرودین اجتماع، محل اعتناست و از همین جاست که به‌طور معمول، تاریخ‌شفاهی در بستر خاطرات انسانی، به‌منزله بخشی از زندگی یا همه آن، شکل می‌گیرد. در نگاهی فراگیرتر، اگر تاریخ‌نگاری را طبق یکی از مقبول‌ترین و متداول‌ترین تعاریف، «وصف و ثبت وجوه گوناگون حیات و احوال انسان در عرصه سیاست و اجتماع» (رزم‌آرا، ۱۳۶۷، ص ۳۰۲) بدانیم، باید پذیرفت که اساساً تاریخ‌نگاری، چیزی جز زندگی‌نگاری نیست.

یکی از فروع زندگی‌نامه‌نویسی، کارنامه‌نگاری است. در فرهنگ‌های اصطلاحات فارسی و برخی نوشته‌های محققان تاریخ و ادب فارسی، در بیان معنای زندگی‌نامه، در کنار اصطلاحاتی نظیر بیوگرافی، سرگذشت‌نامه و حسب‌حال، گاه عنوان «کارنامه» در معنای مترادف آن به‌کار رفته

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی، استادیار گروه پژوهش‌های ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران؛ mah.shamshirgarha@gmail.com.



است (رستگار فسایی، ۱۳۸۰، ص ۲۸۱). حال آنکه به نظر می‌رسد تفاوت زندگی‌نامه‌های اصیل و نمونه با این‌گونه نوشتاری، چنان است که مترادف خواندن آن‌ها، از دقت زیادی برخوردار نباشد، بلکه درست‌تر آن است که کارنامه‌ها نیز در کنار نوشتارهایی از قبیل نسب‌نامه‌ها، شجره‌نامه‌ها، طبقات و سیره‌ها، نوع قابل تشخیصی از زندگی‌نامه و در قلمروی گستره وسیع این‌گونه پُر تعداد از زندگی‌نوشت‌ها قلمداد شود.

گفتنی است با وجود اهمیت این نوع از زندگی‌نوشت‌ها در ترسیم تاریخ زندگی اشخاص و تبیین برخی نقاط مبهم تاریخ جامعه، نگارنده نوشتاری مستقل یا درخور توجه درباره آن نیافت. از این رو صلاح بر آن قرار یافت تا پیش از آغاز کلام اصلی این مقاله که ارائه معرفی کوتاهی درباره مجموعه‌ای از کارنامک‌های موجود در کتابخانه ملی است، به اختصار درباره «کارنامه» و «کارنامه‌نگاری» سخن گفته آید.

### کارنامه، قدیم‌ترین گونه زندگی‌نامه

کارنامه‌ها در ساختار و محتوایی متداول و تقریباً همسان و با انگیزه‌هایی مشخص، به‌عنوان نوع مستقلی از زندگی‌نامه‌ها - هرچند نه با این عنوان - با مرزهایی سیال و نه چندان قطعی، از دیرباز به‌نگارش درآمده و از این جهت در شمار گونه‌های پُرسابقه زندگی‌نگاری به شمار می‌آید. با نگاهی به تاریخ شکل‌گیری زندگی‌نامه‌ها در معنای کلی، می‌توان آغاز این جریان را از کارنامه‌نگاری دانست. توجه به زندگی‌نامه‌نویس‌های اولیه، چه در غرب در بین رومیان و یونانیان نظیر پلوتارک (نویسنده یونانی که سرگذشت بزرگان یونان و روم را گرد آورد) و حتی پیش از او نظیر آریس توسن تاراتنی (از مریدان ارسطو) و تاسیتوس (مورخ رومی که اثر خود را درباره زندگی امپراطوران روم شکل داد) و چه در تمدن ایران، به‌ویژه داریوش هخامنشی که کتیبه بیستون را از خود به‌یادگار گذاشت، این سخن را تأیید می‌کند.<sup>۱</sup> لذا در آثار آنان، اغلب به بخشی از زندگی فرمانروایان و بزرگان سیاست و دین که با اقدامات و رفتارهای بیرونی آن‌ها مرتبط است، پرداخته شده است. از این نظر می‌توان کارنامه‌ها را قدیم‌ترین گونه زندگی‌نامه‌نگاری به‌شمار آورده و کارنامه‌نویسی را سرآغاز جریان زندگی‌نگاری دانست.

### کارنامه و زندگی‌نامه

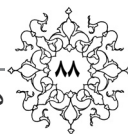
شاید بتوان کارنامه را خلاصه و عصاره زندگی‌نامه دانست. از آنجایی که اغلب در آثار زندگی‌نامه‌ای به افراد اثرگذار و بزرگان در زمینه‌های خاص توجه می‌شود، برخی برآنند که پرداختن به «تأثیرات»، «آثار و خدمات علمی» و «ارزیابی مجدد و اصلاح»، سه رکن اساسی کار زندگی‌نامه‌نویس است.<sup>۲</sup> این درحالی است که در یک کارنامه نمونه و اصیل، به این مسائل به‌ویژه دو محور ابتدایی،

۱. شاید بتوان از مقدمه پنجاه صفحه‌ای فرهنگ زندگی‌نامه‌ها به‌منزله مفصل‌ترین و کامل‌ترین منبع درخصوص تاریخچه و انواع زندگی‌نامه‌ها به زبان فارسی یاد کرد. درباره این موضوع رک: فرهنگ زندگی‌نامه‌ها (۱۳۶۹). مؤلفان عباس جلالی ... (و دیگران)؛ به سرپرستی حسن انوشه. ویراستار سیروس مهدوی. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا؛ اشرف، احمد (۱۳۸۸). سابقه خاطره نگاری در ایران. بخارا، ۱۲ (۷۴): ۳۳۹-۳۴۳ و برای اطلاع از تاریخچه زندگی‌نگاری در غرب رک:

Encyclopedia of life writing: autobiographical and biographical forms (2001). Editor Margaretta Jolly. London: Chicago, Fitzroy Dearbornpp.

و برای اطلاع از تاریخچه زندگی‌نگاری در جهان عرب رک: حسن، محمد عبدالغنی (۱۳۶۲). زندگی‌نامه‌ها، ترجمه امیره ضمیری. تهران: امیرکبیر.

۲. برای اطلاع بیشتر درباره این موضوع رک: امامی، نصرالله (۱۳۶۹). زندگی‌نامه‌نویسی، شیوه و تاریخچه. نشر دانش، ۱۱ (۵۸): ۴۴-۵۰.



توجه شده و اساساً نگارش کارنامه، بدون این دو محور و تا حدودی محور سوم، خارج از غرض کارنامه‌نگاری است.

توجه به شاخصه‌های کارنامه در مقابل زندگی‌نامه، در این مجال نمی‌گنجد، اما مروری بر اصلی‌ترین نقاط ممیز آن‌ها در این بخش از نوشتار، مفید می‌نماید. مهم‌ترین تفاوت زندگی‌نامه در معنای اصیل آن با کارنامه، در نسبت این‌گونه نوشتاری با ترسیم زندگی آدمی با تمام جریانات و فرآجریانات مادی و معنوی و رخدادهای درونی و بیرونی آن تعریف می‌شود، درحالی‌که زندگی‌نامه، متنی طولانی و گسترش‌یافته از تمام دوران حیات یک شخص است و ماجرای یک زندگی را در همه ابعاد به تصویر می‌کشد، کارنامه تنها به رویدادهای برجسته زندگی، آن هم غالباً در ابعاد اجتماعی و سیاسی ناظر است. در اشکال متعارف زندگی‌نامه‌نویسی معمولاً اطلاعاتی درباره محیط رشد، تحصیلات، موفقیت‌ها، شکست‌ها، ازدواج و آثار فرد به‌دست می‌آید و به‌تناسب موضوع و شخصیت فرد، گاه نویسنده زندگی‌نامه به زمینه‌های دیگر نیز می‌پردازد، اما کارنامه‌نویس چنین رسالتی بر خود نمی‌بیند. دلیل امر این است که در کارنامه‌نگاری، اساساً بنا بر بازسازی زندگی فرد نیست، بلکه هدف از آن، گلچین کردن و نشان‌دادن نقاط مهم و اثرگذار زندگی فرد، به‌ویژه در ارتباط با دنیای بیرونی اوست.

شاخصه دیگر کارنامه‌ها در مقایسه با سایر انواع زندگی‌نوشت‌ها از جمله زندگی‌نامه‌های اصیل، بی‌بهره بودن آن‌ها از خاطره است، حال آنکه در نوشتن زندگی‌نامه‌های نمونه، خاطره به‌منزله یکی از منابع دست اول به کار می‌آید. هم‌چنین کارنامه از عنصر روایت که از اساسی‌ترین عناصر زندگی‌نوشت‌ها و از آن جمله، زندگی‌نامه‌های متداول است، بهره‌چندانی ندارد. دیگر آنکه انسجام و پیوستگی اجزا و بخش‌های زندگی‌نامه اصیل و نمونه در کارنامه به چشم نمی‌خورد؛ چراکه اساساً موضوع اصلی در این نوع نوشته‌ها، زندگی نیست، بلکه بخش‌هایی از آن با برجستگی‌های خاص همراه است. فی‌الجمله، اگر زندگی‌نامه تاریخچه زندگی است، کارنامه، فهرستی از مهم‌ترین اقدامات سوژه است که گاه با شرح برخی از آن‌ها همراه می‌شود.

زندگی‌نامه‌نویس به‌دنبال آن است تا از مواد اولیه، حقیقت شخصیت، روحیات، افکار و احساسات و انگیزه‌های عملکردی، سوژه خویش را کشف و منتقل کند و از این طریق، خود و خواننده را از چگونگی به چرایی برساند؛ درحالی‌که در کارنامه، کارنامه‌نویس و خواننده اساساً به‌دنبال کشف روحیات سوژه و دست‌یابی به زوایای شخصیتی و رفتارهای او نیستند. از این جهت نقش کارنامه‌ها در شکل‌گیری معرفت انسانی چندان قابل‌توجه نخواهد بود.

آفرینش کارنامه نیز مانند هر یک از انواع زندگی‌نوشت، می‌تواند مبتنی بر مدارک باشد. گاه کارنامه‌نویس، مدارک و اسناد، نامه‌ها و گفته‌های شهود عینی را به کار خود افزوده و حتی ممکن است درخصوص صحت مدارک کارنامه‌افزادی که زمان زیادی از زندگی آن‌ها گذشته است، حکم کند.



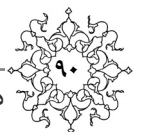
## کارنامه، تاریخ و ادبیات

چنان‌که اشاره شد در این متون شرح احوال و افعال سوژه، در عرصه‌های متنوع زندگی اعم از شخصی و خانوادگی و اجتماعی چندان مورد توجه نیست، بلکه غالباً آن‌ها از حیث شئون و مشاغل بارز اجتماعی و سیاسی صاحب کارنامه نوشته یا خوانده می‌شوند. از این جهت بهتر است این نوشته‌ها را زیرمجموعه‌ای از متون تاریخی به‌شمار آورد. از این رو شاید زندگی‌نامه‌ها بیش از سایر انواع زندگی‌نوشت‌ها، به‌عنوان زیرمجموعه‌های متون تاریخی تلقی شوند. در میان انواع زندگی‌نامه‌ها نیز می‌توان کارنامه‌ها را به حوزه تاریخ نزدیک‌تر دانست. به تعبیر دیگر از میان انواع زندگی‌نامه‌ها، مسائل کارنامه‌نویس‌ها به مسائل مورخان نزدیک‌تر است.

توضیح آنکه در فراگیرترین و قدیمی‌ترین تعاریف از زندگی‌نامه که در غرب ارائه شده است، از نوع اصیل و نمونه آن، به‌عنوان تاریخ زندگی یک شخص و شاخه‌ای از ادبیات غیرداستانی یاد می‌شود. چنین عباراتی از تعلق زندگی‌نامه یا بیوگرافی به تاریخ و ادبیات، به‌طور هم‌زمان حکایت دارد. این گونه نوشتاری در غرب و گاه در ایران با همه تنوع آن، به‌عنوان ژانری ادبی شناخته شده و منتقدان در غرب آن را به منزله یکی از انواع ادبی مورد بررسی قرار داده و می‌دهند. از آنجا که در این نوع نوشته به وقایع و جنبه‌های تسلسل تاریخی و نیز توجیهات استدلالی توجه شده، بخش گستره‌ای از تاریخ‌نگاری نیز به‌شمار آمده است که این تلقی تاکنون در ایران از اقبال بیشتری برخوردار بوده است.<sup>۱</sup> فی‌الجمله امروزه در دنیا معمولاً بیوگرافی به‌عنوان شاخه‌ای از تاریخ و ادبیات، مورد ملاحظه قرار می‌گیرد و تقریباً همه منتقدان معاصر بر آن اتفاق نظر دارند.

در نوعی از آن‌ها که تحت‌عنوان کارنامه از آن نام برده شد، اولاً اقبال کارنامه‌نگاران برای ثبت رویدادهای زندگی اشخاص صاحب‌نام و رجال مشهور از طرفی، ثانیاً بی‌رغبتی یا کم‌رغبتی در این نوع نوشته‌ها به موضوعات نفسانی، حالات درونی و ماجراهای شخصی و خانوادگی و ثالثاً خارج‌بودن توجه به هنرورزی‌های بیانی و زبانی از دایره انگیزه‌ها و رسالت‌های این نوع نوشتار، موجب دوری آن از ساحت ادبیات و هنر شده است. به تعبیر دیگر در کارنامه‌نویسی، تاریخ با توجه به رفتارهای بیرونی و شئون اجتماعی و سیاسی شخصیت‌ها ترسیم می‌گردد و معمولاً برای بازشماری واقعیت‌ها، جانب هنر فرو گذاشته می‌شود. از این جهت، اگر بتوان انواع زندگی‌نوشت‌ها را در کنار پرداختن به وقایع تاریخی، از حیث بهره‌مندی آن‌ها از عنصر هنر و حضور ادبیت در متن در طیفی تعریف کرد، به‌جاست کارنامه را در پایانی‌ترین بخش این طیف و در کنار انواع دیگری نظیر گزارش‌های شخصی، از کم‌بهره‌ترین آن‌ها از ویژگی‌های ادبی به‌شمار آورد. همین تعلق حداکثری کارنامه‌نگاری به عرصه تاریخ، موجب اهمیت حداکثری فکت‌ها یا واقعیت‌های تاریخی در کارنامه‌ها نسبت به سایر انواع زندگی‌نوشت‌ها نظیر خاطره‌نامه‌ها و حتی نمونه‌های متداول زندگی‌نامه‌ها شده است.

۱. درباره جایگاه زندگی‌نامه در گستره تاریخ و ادبیات و سرگذشت‌نویسی به داستان‌نویسی رک: آزرین، برپایان د: سایر، ریچارد (۱۳۹۲). چگونه زندگی‌نامه بنویسیم، ترجمه محسن سلیمانی. تهران: سوره مهر؛ رضوانیان، قدسیه (۱۳۸۸). از سرگذشت‌نویسی به داستان‌نویسی (آیینی نو در نگارش). بابلسر: دانشگاه مازندران.



## اقسام کارنامه

به لحاظ زمانی، کارنامه‌نگاری نیز ممکن است از سوی خود نویسنده و معمولاً در اواخر عمر او نوشته شود که در زمره خودنگاری‌ها<sup>۱</sup> می‌گنجد که این دست‌نوشته‌ها به اتوبیوگرافی یا خودزندگی‌نامه نزدیک می‌شود. گاه کارنامه فرد - معمولاً به قصد بزرگداشت مقام علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی وی - در زمان حیات او از سوی دیگران گرد می‌آید. هم‌چنین ممکن است برخی کارنامه‌ها سال‌ها و بلکه قرن‌ها با سوژه، فاصله زمانی داشته باشند.

از طرف دیگر، در مقابل کارنامه‌هایی که در آن‌ها به صورت کامل و مشروح به بیان کلیات و جزئیات اقدامات و رویدادهای برجسته سوژه پرداخته می‌شود، می‌توان به کارنامه‌هایی کوتاه نیز اشاره کرد که در آن‌ها تنها عنوان‌هایی از وقایع مهم و اثرگذار زندگی به صورت موجز ارائه می‌شود و می‌توان آن‌ها را «کارنامک» خواند.

## کارنامک‌های کتابخانه ملی

با مقدمه‌ای که از نظر گذشت، در این بخش برآنیم تا مجموعه‌ای از کارنامک‌های موجود درباره برخی از اثرگذارترین رجال معاصر ایران را معرفی کنیم. می‌توان این اسناد مکتوب را که در حال حاضر در کتابخانه ملی نگهداری می‌شوند، به لحاظ نقش و اهمیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سوژه‌ها، بخشی از میراث تاریخی ایران مربوط به دهه‌های چهل تا شصت به‌شمار آورد. در مخزن منابع غیرکتابی کتابخانه ملی، مجموعه‌ای حاوی حدوداً ۳۳۰۰ مدرک تحت‌عنوان «کارنامک» با کد ۱۱۳، ثبت و فهرست شده است.<sup>۲</sup> این مواد که غالباً تک‌برگی‌اند و به‌ندرت از سه برگ فراتر می‌روند، گاه به صورت متداول با نام «زندگی‌نامه‌های کتابخانه ملی» نیز خوانده می‌شوند. سوژه‌های این مواد اطلاعاتی، افراد مشهور فرهنگی و علمی و ورزشی و صاحب‌منصبان سیاسی و اجتماعی هستند. این افراد به لحاظ رده شهرت، گروه‌های زیر را شامل می‌گردند:

وزیران، مدیران، سرپرستان، نخست‌وزیران، نمایندگان مجلس، مدیران عامل، فرمانداران، دادستان‌ها، مدیران بانک، مشاوران، شهرداران، استانداران، سفیران، رایزن‌ها، مستشاران، رؤسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، گویندگان رادیو، آجودان‌ها، سردبیران، روزنامه‌نگاران، مدیران مسئول، مدرسان حوزه علمیه، ورزشکاران، نویسندگان، محققان و استادان.

ساختار اغلب این کارنامک‌ها به صورت فرم‌هایی تک‌برگی با جداولی است که تکمیل آن‌ها از سوژه‌ها خواسته شده است و مواردی نظیر: نام و نام‌خانوادگی، محل و تاریخ تولد، نام پدر، شغل فعلی، آخرین مدرک تحصیلی، تاریخچه‌ای کوتاه از دوران و وضعیت تحصیلی، فهرست سوابق و مشاغل اداری، سابقه مسافرت‌ها و مأموریت‌های داخل و خارج از کشور، فعالیت‌های اجتماعی و علمی و ادبی و سوابق کسب موفقیت‌ها در هر یک از آن‌ها، فهرست تألیفات و ترجمه‌ها را دربر

1. self-portrayal.

۲. فهرست توصیفی همه این مدارک به انجام رسیده و فهرست‌نویسی تحلیلی آن‌ها نیز آغاز شده است.



می‌گیرد. تکمیل ردیف پایانی جدول نیز -بدون عنوانی خاص- به خود فرد واگذار می‌گردد تا در چند سطر به دلخواه، سایر مطالب و نکات مفید در بیان شرح حال خود را به ثبت برساند که در نمونه «الف» در انتهای نوشتار آمده است. برخی از این کارنامک‌ها نیز شبیه نمونه «ب»، نه به صورت فرم‌هایی از پیش طراحی شده، بلکه در ساختار متنی کوتاه، محتواهای نام‌برده را شامل می‌شوند. در گوشه تعداد زیادی از این کارنامک‌ها، عکس کوچکی از سوژه نیز ضمیمه شده است، اما در برخی دیگر همانند نمونه «ج»، عکسی مشاهده نمی‌شود.

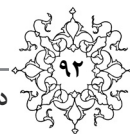
در قریب به اتفاق آن‌ها ضمیمه و مستندات اضافی نشده است و به‌ندرت سوژه‌ای نظیر علی مختاری (نمونه د) از استادان مبرز در حرفه مثبت‌کاری، یافت می‌شود که مقاله‌ای در معرفی خود و درباره آثارش ضمیمه کرده باشد. اغلب کارنامک‌ها در رده خودنگاری‌ها می‌گنجد، البته در میان آن‌ها، تعداد کمی نیز یافت می‌شود که فرد یا افرادی دیگر (نام و نشانی این افراد مشخص نیست) مختصراً به نوشتن شرح حال و عملکردهای شاخص سوژه پرداخته باشند.

از نقاط ارزشمند کارنامک‌های مذکور، این است که اغلب آن‌ها نه تنها از سوی خود سوژه تکمیل، بلکه به خط خود او نگاشته شده‌اند. برای نمونه کارنامک‌های متعلق به مهدی بازرگان، جمشید آموزگار و امیرعباس هویدا که همگی از سوی سوژه و به خط آنان تکمیل شده، قابل ملاحظه است که در انتهای نوشتار جانمایی شده است. البته متن معدودی از آن‌ها (غالباً در مورد کارنامک‌هایی که از سوی خود سوژه تکمیل نشده است) به صورت تایی و ماشینی ملاحظه می‌شود.

هرچند زمان دقیق آغاز این حرکت مشخص نیست و بسیاری از یادداشت‌ها بدون تاریخ‌اند و محل مشخصی برای تاریخ تکمیل فرم‌ها پر نشده است، اما مرور این مدارک، حاکی از آن است که شاید بتوان آغاز آن را سال‌های ابتدایی دهه چهل دانست. این حرکت در سال‌های نخستین پیروزی انقلاب اسلامی هم ادامه یافت، چنان‌که حتی از کارنامک‌های مربوط به سال ۱۳۶۵ش. نیز مواردی یافت می‌گردد.

### سیر انتقال کارنامک‌ها به کتابخانه ملی

نگارنده موفق نشد تاریخچه یا توضیحی مکتوب درباره چرایی و چگونگی آغاز و ادامه این اقدام، به‌دست آورد، به‌طور مثال اینکه آیا فرم‌های مذکور، پیرو طرح یا تصمیمی خاص توزیع و جمع‌آوری شده باشند. تنها با توجه به سرب‌های مندرج بر برگه‌ها، می‌دانیم که این اقدام به قصد باقی‌ماندن اطلاعات افراد مشهور و رجال معاصر ایران ابتدا از سوی «اداره کل انتشارات و رادیو» و بعدها با تحولات ساختاری و اداری این اداره، از سوی «مرکز مدارک وزارت اطلاعات و جهانگردی» در دوره پهلوی انجام شد و پس از پیروزی انقلاب با تحولاتی دیگر، نظیر سازمان مدارک انقلاب اسلامی در وزارت ارشاد اسلامی» مورد پیگیری قرار گرفت. با تلاش این نهادها در تهران



و بسیاری از مراکز استانی در وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها، سازمان‌ها و مانند آن‌ها، پرسش‌نامه‌های بسیاری توزیع و جمع‌آوری شد.<sup>۱</sup>

چنان‌که می‌دانیم در سال ۱۳۲۲ش. «اداره کل انتشارات و تبلیغات» با هدف انجام امور تبلیغات در داخل و خارج از کشور تشکیل گردید و وظایف آن در حیطه مسائل مربوط به رادیو، نشریات، تئاتر، فیلم و موسیقی تعریف شد. در ۱۳۳۰ش. این اداره کل با اندکی تغییرات به «اداره کل انتشارات و رادیو» تغییر نام یافت. رفته‌رفته تشکیلات و وظایف این اداره کل توسعه یافت، به‌طوری‌که تحت‌نظر معاون نخست‌وزیر یا یکی از وزیران اداره می‌شد، تا اینکه در اسفند ۱۳۴۲ش. وزارت اطلاعات تشکیل گردید و اداره کل انتشارات و رادیو به این وزارتخانه ملحق شد. در ۱۳۵۰ش. «سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران» وابسته به وزارت اطلاعات تأسیس و «سازمان تلویزیون ملی ایران» که چهار سال پیش از آن، وابسته به وزارت اطلاعات شکل گرفته بود، منحل شد. در ۱۳۵۳ش. «سازمان جلب سیاحان» که در ۱۳۴۴ش. تحت‌نظر مستقیم نخست‌وزیر تشکیل شده بود، به وزارت اطلاعات وابسته شد و «وزارت اطلاعات و جهانگردی» تشکیل گردید و به این ترتیب، کلیه وظایف و اختیارات «اداره کل انتشارات و رادیو» از جمله گردآوری زندگی‌نامه رجال ایران به این نهاد منتقل شد. «وزارت اطلاعات و جهانگردی» طبق قانون تأسیس آن، به‌منظور نظارت و هدایت امور مربوط به وسائل ارتباط جمعی در جهت تأمین مصالح ملی و شناساندن بیشتر پیشرفت‌ها و تحولات و تمدن کشور به جهانیان و اشاعه و تحکیم مبانی ارزش‌های ملی در شئون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بالابردن سطح دانش و بینش عمومی و آماده‌سازی جامعه ایرانی برای قبول مسئولیت‌های فردی و جمعی بیشتر و نیز توسعه صنعت جهانگردی، فعالیت می‌کرد.

چنان‌که می‌دانیم بخش‌هایی از وزارت اطلاعات و جهانگردی با بخش‌های عمده‌ای از وزارت فرهنگ و هنر سال ۱۳۵۸ش. ادغام شد و به «وزارت ارشاد اسلامی» تغییر نام یافت. از آن جمله، با ادغام «مرکز مدارک وزارت اطلاعات و جهانگردی» و «مرکز اسناد فرهنگی آسیا» وابسته به «وزارت فرهنگ و هنر»، سازمانی با عنوان «سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی» در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۶۱ش. با هدف گردآوری، سازماندهی و اشاعه اسناد و مدارک انقلاب اسلامی و انتشارات انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، فراهم‌آوردن امکانات لازم برای پژوهش و مطالعه و بهره‌برداری از این مجموعه و همچنین شناساندن مبانی و اهداف انقلاب اسلامی ایران موجودیت یافت و از این طریق، نگهداری مدارک موجود در مرکز مدارک وزارت اطلاعات و جهانگردی از جمله کارنامه‌های مذکور به سازمان جدید محول شد. هم‌چنین ادامه روند جمع‌آوری کارنامه‌ها نیز در این سازمان پی‌گرفته شد.

در ۱۳۷۸ش. به دلیل موازی بودن پاره‌ای از وظایف و اقدامات مشترک این سازمان با وظایف کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سازمان مذکور به کتابخانه ملی پیوست و در نتیجه، همه

۱. اغلب نهادهایی که کارنامه افراد و صاحب‌منصبان شاخص آن‌ها تهیه شده است، از این قرارند: مجلس سنا، وزارت فرهنگ و هنر، سازمان صنایع و معادن، وزارت آب و برق، سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، وزارت بهداری، سازمان بیمه‌های اجتماعی، حوزه‌های علمی، وزارت کشاورزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان اوقاف، دیوان عالی کشور، رادیو ایران، وزارت راه، وزارت پست و تلگراف و تلفن، سازمان مدیریت صنعتی، وزارت دارایی، وزارت کشاورزی و منابع طبیعی، شرکت سهامی تولیدی کارخانه قند و تصفیه شکر، وزارت آموزش و پرورش، شرکت مادر تخصصی آزمایشگاه فنی و مکانیک خاک، وزارت دربار شاهنشاهی، کانون علوم اداری ایران، وزارت تعاون و امور روستاها، انجمن شهر تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان بنیه و دانه‌های روغنی ایران، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت آبادانی و مسکن، سازمان برنامه، شورای عالی قضایی و وزارت بازرگانی.

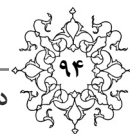


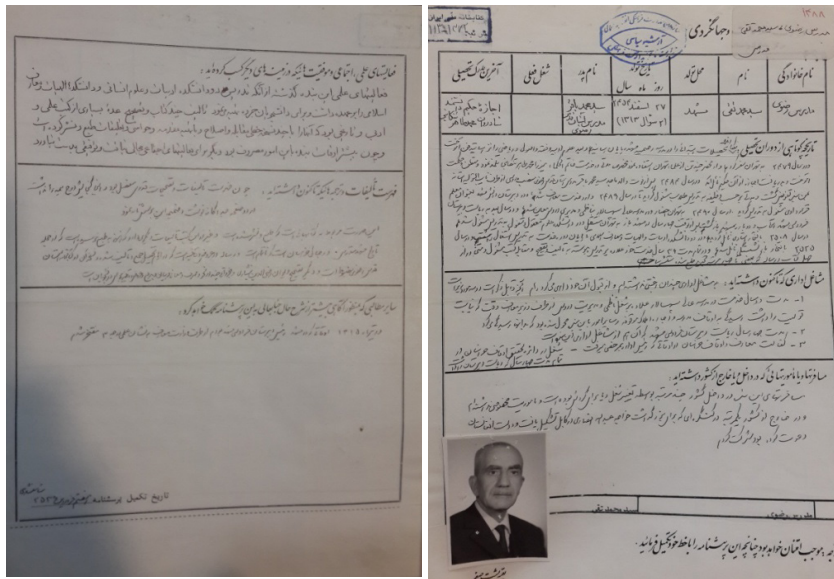


مدارک و منابع و حتی نیروی انسانی آن به کتابخانه منتقل شد. در این میان، زندگی‌نامه‌های رجال ایران نیز به کتابخانه ملی منتقل گردید و نگاه‌داری آن به بخش منابع غیرکتابی سپرده شد. پاسخ به این پرسش که چرا علی‌رغم آنکه این مدارک از اسناد ملی ایران به‌شمار می‌آیند، جای آن‌ها در مخازن معاونت اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی خالی است، از دقت در سیر تاریخی انتقال و نگاه‌داری این مدارک برمی‌آید.

## منابع

- آزرین، برایان د؛ سایر، ریچارد (۱۳۹۲). چگونه زندگی‌نامه بنویسیم، ترجمه محسن سلیمانی. تهران: سوره مهر.
- اشرف، احمد (۱۳۸۸). سابقه خاطره نگاری در ایران. بخارا، ۱۲ (۷۴): ۳۳۹-۳۶۳.
- امامی، نصرالله (۱۳۶۹). زندگی‌نامه‌نویسی، شیوه و تاریخچه. نشر دانش، ۱۱ (۵۸): ۴۴-۵۰.
- حسن، محمد عبدالغنی (۱۳۶۲). زندگی‌نامه‌ها، ترجمه امیره ضمیری. تهران: امیرکبیر.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰). انواع نثر فارسی. تهران: سمت.
- رزم‌آرا، مرتضی (۱۳۶۷). تاریخ‌نگاری. در کاظم موسوی بجنوردی (سرپرستار). دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (ج ۱۴، ص ۳۰۲). تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- رضوانیان، قدسیه (۱۳۸۸). از سرگذشت‌نویسی به داستان‌نویسی (آیینی نو در نگارش). بابلسر: دانشگاه مازندران.
- فرهنگ زندگی‌نامه‌ها (۱۳۶۹). مؤلفان عباس جلالی... [و دیگران]؛ به سرپرستی حسن انوشه؛ ویراستار سیروس مهدوی. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا.
- *Encyclopedia of life writing: autobiographical and biographical forms* (2001). Editor Margaretta Jolly, London: Chicago; Fitzroy Dearbornpp.





نمونه الف: (پشت و روی کارنامک استاد سیدمحمدتقی مدرس رضوی)

نمونه ب: (کارنامک حسین محمودی)

